

خشونت جسمانی معلمان، خانواده و گروه همسالان و بزهکاری دانش‌آموزان: مطالعه موردی دبیرستان‌های شهر املحسن حاجی تبار فیروزجانی^{۱*}، محسن حاجی تبار فیروزجانی^۲، نهضت حسینی^۳، محسن امیری^۴^۱گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائم‌شهر^۲گروه علوم تربیتی، دانشگاه مازندران^۳کارشناس ارشد برنامه‌ریزی آموزشی، دانشگاه تهران^۴گروه روانشناسی، دانشگاه زنجان**چکیده**

هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه‌ی خشونت جسمانی معلمان، خانواده و گروه همسالان با بزهکاری دانش‌آموزان بود. جامعه‌ی آماری، شامل کلیه‌ی دانش‌آموزان دختر و پسر دوره متوسطه‌ی شهرستان امل به تعداد ۱۱۸۸ نفر (۵۷۳۱ نفر پسر و ۶۳۳۴ نفر دختر) بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای و بر اساس جدول کرجسی و مورگان تعداد ۲۳۰ نفر (۱۱۹ نفر دختر و ۱۱۱ نفر پسر) به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسش‌نامه‌های محقق ساخته خشونت جسمانی و بزهکاری بود که روایی آن‌ها به تأیید متخصصان گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی، روانشناسی و روان‌سنجی رسید و با استفاده از ضریب آلفای کرائنباخ، پایایی آن‌ها به ترتیب ۰/۸۵ و ۰/۷۸ محاسبه شد. یافته‌ها نشان دادند که بین خشونت جسمانی معلمان، خانواده و گروه همسالان علیه دانش‌آموزان با بزهکاری آنان رابطه‌ی معناداری وجود دارد. بنابراین می‌توان گفت هر چه خشونت‌های کلامی معلمان، خانواده و گروه همسالان علیه دانش‌آموزان بیشتر باشد میزان بزهکاری دانش‌آموزان بیشتر خواهد شد.

کلید واژه‌ها: بزهکاری؛ خشونت جسمانی؛ معلمان؛ خانواده؛ گروه همسالان**مقدمه**

کودکان و نوجوانان به عنوان آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه انسانی تلقی می‌شوند که به دلیل وابستگی‌های گوناگون جسمانی، روانی و عاطفی، اقتصادی و غیره توسط افراد مختلف جامعه مورد انواع سوءاستفاده‌ها و خشونت‌های جنسی، جسمی، روانی و عاطفی و ... قرار می‌گیرند. خشونت جسمانی عملی را گویند که، مجری آن عمداً، با اعمال زور، باعث صدمه‌ی جسمانی قربانی گردد. این عمل باعث زخمی شدن فیزیکی و روحی و در برخی حالات، باعث مرگ قربانی می‌گردد (منیر، بادغیسی، صالحی و کاوه، ۱۳۸۸). خشونت جسمی، آشکارترین شکل خشونت است که ممکن است علیه کودکان واقع شود. هرگونه اقدام فیزیکی که جسم کودک را با هدف آسیب رساندن یا کنترل وی مورد آزار قرار دهد، در این بخش جای می‌گیرد. اشکال مختلف کودک آزاری جسمی شامل شلاق زدن، بستن کودک با طناب یا با اشیاء، کوبیدن به دیوار، سوزاندن با آب جوش یا مایعات داغ و یا استفاده از آتش سیگار، تکان دادن شدید، ضربه زدن، بریدن، لگزدن، سیلی زدن و موارد مشابه است. این صدمات می‌تواند در نتیجه استفاده از اشیایی نظیر کمربند، ترکه‌چوب و چماق بوجود آید (اصفهان‌ی، ۱۳۸۷). خشونت علیه کودکان و نوجوانان بیشتر در محیط‌های جامعه‌پذیری اصلی آنان یعنی خانواده، مدرسه و همسالان صورت می‌گیرد. نکته بسیار مهم این است که تحقیقات و پژوهش‌های انجام یافته نشان داده‌اند که برخی از بزه‌دیدگان امروز ممکن است بزهکار فردا باشند، به ویژه اینکه شخص بزه‌دیده، کودک و نوجوان باشد.

بزهکاری تهدید کننده و نابودگر جدی سرمایه‌ی اجتماعی و سلامت جامعه است و به همین دلیل این مسأله یکی از دغدغه‌های کنونی دولت‌ها به شمار می‌آید. این دغدغه‌ها زمانی جدی‌تر می‌شود که بدانیم نوجوانان و جوانان، که اصلی‌ترین بخش نیروی انسانی و همچنین سرمایه‌ی انسانی هر جامعه به شمار می‌روند، بیشتر از سایر گروه‌های اجتماعی در معرض بزهکاری و بزه‌دیدگی قرار دارند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳). بدین ترتیب، توجه ویژه به کودکان و رفع نیازها و خواسته‌های اصلی و متعارف آنان باید به عنوان دغدغه اصلی و بسیار مهم برای مسئولان بخش‌های مختلف اجتماعی اعم از دولتی و غیردولتی مانند خانواده، معلمان و مربیان به حساب آید چراکه داشتن کودکان و نوجوانان سالم در امروز نوبدبخش جامعه‌ی سالم در فردا خواهد بود. زیرا کودکان امروز، در واقع، سازندگان و مدیران جامعه فردا هستند. از این‌رو، پرداختن به آنها و رفع نیازها و مشکلات‌شان از جمله تضمین نیاز روانی و عاطفی به منظور جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی یعنی بزهکاری و ناهنجاری از سوی آنان، امری لازم و ضروری است.

اگرچه وقوع جرایم پدیده‌ای نوظهور در اجتماع بشری تلقی نمی‌شود و پیدایش جوامع و ارتکاب جرم با یکدیگر قرین و همزاد بوده‌اند، اما شاید هیچ‌گاه آدمی تا بدین حد با معضلی به نام «بزهکاری» در جامعه‌ی خویش مواجه نبوده است و هنگامی که این معضل در میان اطفال و نوجوانان امروز که سازندگان و پایه‌گذاران جامعه‌ی فردا هستند، ریشه می‌دواند، موجب نگرانی و بیم بیشتری می‌شود و مقتضی توجه و حساسیت بیشتری برای یافتن راه حل‌های مناسب برای رفع آن است (معظمی، ۱۳۹۰). جرم‌شناسان و محققان عوامل گوناگونی را در ارتکاب رفتارهای مجرمانه از سوی کودکان و نوجوانان دخیل می‌دانند. یکی از عوامل تأثیرگذار بر بزهکاری، خشونت است. نتایج تحقیقات مختلف در اکثر کشورهای مختلف دنیا که توسط اسمیت و شارپ (۱۹۹۵) بررسی شده نشان می‌دهد که خشونت در سال‌های اخیر افزایش یافته و جدی‌تر شده است و شامل طیفی از اعمال عمدی خشن جسمانی، روانی، عاطفی و کلامی می‌باشد که تأثیر منفی بر سلامت جسم و روان فرد برجای می‌گذارد. این رفتار ناهنجار اجتماعی در عین حال ریشه و سبب بسیاری از جرایم ارتكابی توسط نوجوانان نیز محسوب می‌شود. کودکان و نوجوانان به علت رشد نیافتگی عاطفی و هیجانی بیشتر در معرض آسیب‌های ناشی از خشونت هستند و مواجهه دائمی با این رفتار از توانایی آنان در ایجاد اعتماد به اطرافیان می‌کاهد و اعتماد به نفس‌شان را پایین می‌آورد)

* e-mail: hajitabar@yahoo.com

علیوردی‌نیا و ورمزیار، ۱۳۹۰). پژوهش حاضر به دنبال بررسی میزان و کیفیت رابطه میان خشونت جسمانی از سوی معلمان، خانواده و گروه همسالان علیه کودکان و نوجوانان (دانش‌آموزان دوره دبیرستان شهرستان امل) و بزهکاری آنان بود.

روش

شرکت‌کنندگان

پژوهش حاضر از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه‌ی مورد مطالعه در این پژوهش: کلیه‌ی دانش‌آموزان دختر و پسر دوره متوسطه‌ی شهرستان امل به تعداد ۱۱۱۸۸ نفر (۵۷۳۱ نفر پسر و ۶۳۳۴ نفر دختر) در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ می‌باشند که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای و بر اساس جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۰) در دو گروه دختر و پسر و در سطح اطمینان ۹۵ درصد خطای اندازه‌گیری ۵ درصد، تعداد ۲۳۰ نفر (۱۱۹ نفر دختر و ۱۱۱ نفر پسر) به عنوان نمونه آماری انتخاب شده است.

ابزار

پرسش‌نامه‌ی محقق ساخته خشونت جسمانی: این پرسش‌نامه دارای ۱۰ سوال (۳ گویه)، معلمان، (۴ گویه)، خانواده (۳ گویه) و گروه همسالان طراحی و تدوین شده است. به منظور تعیین روایی این پرسش‌نامه از نظرات سه نفر از استادان گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، سه نفر از استادان رشته‌ی جامعه‌شناسی و سه نفر از استادان حوزه روانشناسی و روان‌سنجی استفاده شد. برای تعیین برآورد اعتبار یا ثبات درونی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. مقدار ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای پرسش‌نامه‌ی خشونت ۰/۸۵ بود. این پرسش‌نامه بر اساس مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت (۰= هیچ‌وقت تا ۴= همیشه) نمره گذاری می‌شود.

پرسش‌نامه محقق ساخته بزهکاری: این ابزار دارای ۳۵ گویه می‌باشد و مانند پرسشنامه قبلی بر اساس مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت (۰= هیچ‌وقت تا ۴= همیشه) نمره گذاری می‌شود. به منظور تعیین روایی این پرسش‌نامه از نظرات سه نفر از استادان گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، سه نفر از استادان رشته‌ی جامعه‌شناسی و سه نفر از استادان حوزه روانشناسی و روان‌سنجی استفاده شد. برای تعیین برآورد اعتبار یا ثبات درونی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. مقدار ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای پرسش‌نامه‌ی بزهکاری ۰/۷۸ بدست آمده است که این مقدار از لحاظ آماری معنادار و مورد تأیید می‌باشد.

روش اجرا

ابتدا پژوهشگران پرسشنامه‌های مذکور را بین شرکت‌کنندگان توزیع کرده و از آنها خواستند تا با صداقت به سوالهای آن پاسخ دهند. پس جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، داده‌ها با استفاده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون تجزیه و تحلیل شدند.

نتایج

فرضیه تحقیق: بین خشونت جسمانی معلمان، خانواده و گروه همسالان علیه دانش‌آموزان با بزهکاری آنان رابطه‌ی معناداری وجود دارد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه نشان می‌دهد که میزان همبستگی به دست آمده با استفاده از آزمون پیرسون، به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۶۹، و ۰/۶۲ می‌باشد و چون این مقدار از ۲ جدول بحرانی ۰/۱۹ بزرگ‌تر است، همبستگی بین خشونت جسمانی معلمان، خانواده و گروه همسالان با بزهکاری در سطح ۰/۹۹ درصد معنادار، می‌باشد، لذا فرضیه صفر H_0 رد و فرضیه تحقیق H_1 تایید می‌گردد و در مورد فرضیه می‌توان ادعا نمود که: «بین خشونت جسمانی معلمان، خانواده و گروه همسالان علیه دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان امل با بزهکاری آنان رابطه‌ی معنادار وجود دارد. بنابراین می‌توان گفت هرچه خشونت جسمانی معلمان، خانواده و گروه همسالان علیه دانش‌آموزان بیشتر باشد میزان بزهکاری دانش‌آموزان بیشتر خواهد بود.»

بحث

در خصوص فرضیه پژوهش، همان‌طور که یافته‌های تحقیق نشان داده است همبستگی بین خشونت جسمانی معلمان، خانواده و گروه همسالان با بزهکاری معنادار می‌باشد، لذا فرضیه تحقیق تأیید می‌گردد. به عبارت دیگر در مورد فرضیه می‌توان ادعا نمود که: «بین خشونت جسمانی معلمان، خانواده و گروه همسالان علیه دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان امل با بزهکاری آنان رابطه‌ی معنادار وجود دارد. بنابراین می‌توان گفت هرچه خشونت جسمانی معلمان، خانواده و گروه همسالان علیه دانش‌آموزان بیشتر باشد میزان بزهکاری دانش‌آموزان بیشتر خواهد شد.» نتایج این یافته با نتایج تحقیقات علیوردی‌نیا و ورمزیار (۱۳۹۰)، آلبوکردی، نظری و نوری (۱۳۹۰) که نقش خانواده و گروه همسالان در تبیین بزهکاری نوجوانان را بررسی کردند، در داخل کشور و تحقیقات اسمینک و همکارانش (۲۰۰۷)، مک و همکاران (۲۰۰۷) که نشان دادند سطح ارتباط عاطفی با مادر تعیین‌کننده‌ی خوبی برای بزهکاری محسوب می‌شود، تیمر و یورکویزا (۲۰۰۶) و گلدستین و هون (۲۰۰۰) همسو می‌باشد.

در تحلیل این یافته که نتایج تحقیقات مختلف نیز مؤید آن می‌باشد، باید اذعان نمود که خشونت جسمانی خانواده، گروه همسالان و معلمان و اولیاء مدرسه تبیین‌کننده خوبی برای بزهکاری نوجوانان می‌باشد. در دوره نوجوانی، افراد تجربه‌ی خوداتکایی و احساس مسؤولیت را شروع می‌کنند. در این دوران اصول ثابت و استوار برای زندگی نوجوانان کاملاً مهم است. نوجوان‌هایی که هیچ خط و مشی خاصی ندارند، اغلب احساس سردرگمی، ناامنی و در معرض خطر بودن می‌کنند، یا درگیر موقعیت‌های خطرناکی می‌شوند که از عواقب آن اطلاعی ندارند. نوجوانانی که مورد بی‌مهری واقع شده و یا در معرض خشونت‌های جسمانی قرار دارند، بسیار طغیانگر، سرکش و عصبانی هستند و می‌توانند سرمشق‌های بدی برای بقیه‌ی نوجوانان باشند. آرزوها، پندها، رویاپردازی‌ها، خودنمایی، محبت، کم‌تجربگی و احساساتی بودن از مشخصات دوران نوجوانی هستند که چنانچه به نحو مناسبی تأمین، کنترل و هدایت نشوند، هر یک از آن‌ها می‌توانند موجبات بزهکاری را فراهم آورند. (معظمی، ۱۳۹۰)

همچنین چون مطابق نتایج تحقیق علیوردی نیا و ورمزیار (۱۳۹۰) میان کیفیت روابط در درون خانواده و بزهکاری نوجوانان رابطه‌ی معکوس و معنادار به چشم می‌خورد و بیشترین ارتباط نوجوان در وهله‌ی اول با خانواده است و فرد در دامن امن و گرم خانواده پرورش می‌یابد، لذا بیشترین همبستگی، بین خشونت جسمانی خانواده با بزهکاری نوجوانان وجود دارد و در مراحل بعدی خشونت جسمانی گروه همسالان و معلمان با میزان بزهکاری رابطه دارند. با توجه به تأیید رابطه‌ی معنادار بین خشونت جسمانی معلمان، خانواده و گروه همسالان علیه دانش‌آموزان با بزهکاری آنان پیشنهاد می‌گردد:

- اطلاع‌رسانی و آگاهی دادن و آموزش‌های مناسب و کافی به خانواده، معلمان و گروه‌های همسالان در خصوص آسیب‌پذیر بودن و اهمیت داشتن کودکان و نوجوانان و چگونگی برخورد با آنان به شیوه‌های مقتضی به ویژه از طریق برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی و نیز برگزاری کلاسهای حضوری با بهره‌گیری از کارشناسان و متخصصان.

منابع

- آلبوکردی، سجاد؛ نظری، علی محد و نوری، ربابه (۱۳۹۰). نقش خانواده و گروه همسالان در تبیین بزهکاری نوجوانان. *مجله تحقیقات علوم پزشکی زاهدان*، ۶(۴)، ۱۸-۲۶.
- جناب اصفهانی، زینب (۱۳۸۷). *تأثیر خشونت‌های خانگی بر بزهکاری کودکان و نوجوانان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دانشگاه تهران.
- علیوردی نیا، اکبر و ورمزیار، مهدی (۱۳۹۰). نقش ساختارها و فرایندهای درون خانواده در بزهکاری دانش‌آموزان. *فصلنامه سیاسی اقتصادی*، ۲۵، ۲۳۸-۲۸۵.
- معظمی، شهلا (۱۳۹۰). *بزهکاری کودکان و نوجوانان*. تهران: دادگستر.
- منیر، محمداود؛ بادغیسی، وسیمه؛ صالحی، عبدالکبیر و کاوه، احمد (۱۳۸۸). *خشونت خانوادگی، عوامل و راهکارهای مقابله با آن*. تهران: انتشارات شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۳). *تغزیرات جرم‌شناسی*. تهران: دادگستر.
- Goldeston, M. & Heaven, P.C.L. (2000). Perception of the Family Delinquency and Emotional Adjustment Among Youth. *Personality and Individual Difference*, 29, 116-1178.
- Mack, K. Y., Leiber, M. J., Featherston, R. A., & Monserud, M. A. (2007). Reassessing Family Delinquency Association: Do Family Type, Family Processes, and Economic Factors Make a Difference?. *Journal of Criminal Justice*, 35(1).
- Smeenk, W., Machteld, H., & Rolf, L. (2007) Long- Term Effects of Parenting and Family Characteristics on Delinquency of Male Young Adults. *European Society of Criminology and SAGE Publications*, 4(2), 161-194
- Timmer, S., & Urquiza, A. (2006). Challenging Foster Caregiver-Altered Child Relationships: The Effectiveness of Parent-Child Interaction Therapy. *Children and Youth Services Devices Review*, 8, 1-19.